

تصویری از فرهنگ عبادت

♦ رضا جلالی

نقد فضا

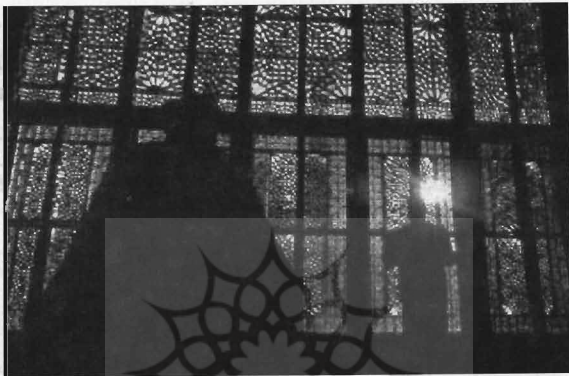
آن ارتباط نزدیک دارد، قابلیت برخورد دوباره ندارد. هر قدر عکسهای فوق دیدگاه نونی از این روند را در قالب یک روز فرضی و با استفاده از تکنیک های عکاسی مستند مردم نگارانه پیش روی مخاطب قرار می دهد، اما این امر به همراه سوژه عکسها، مجموعه فوق را دارای تاریخ مصرف کوتاهی کرده است.

بنابر این نمی توان انتظار داشت که مخاطب با توجه به برخوردهای هر روزه و یک بار دیدن این آثار، بار دیگر رغبت دیدن با آنها را داشته باشد، آن هم در جامعه ای که تنها قشر خاصی برای دیدن آثار هنری پای به نمایشگاههای گذارند. از سوی دیگر، این آثار در نوع خود قابل توجه و تعمق هستند. استفاده از تکنیک های مناسب و رسیدن به یک قالب مشخص و واحد برای بیان روایت تصویری از نکات مثبت و بارز این مجموعه عکسهاست. استفاده از کادرهای شسته و

گالری راه ابریشم خردادماه سال جاری میزبان نمایشگاهی تکراری از عکسهای جمشید بارامی بود. این مجموعه را پیش از این در سال ۸۱ و با کمی تفاوت در تعداد آثار، گالری برگ به نمایش گذاشته بود. این عکسها در واقع بررسی تصویری فرهنگ زیارت در شاه عبدالعظیم هستند.

جمشید بارامی را پیش از هر چیز در مقام یک عکاس خبری در مطبوعات می شناسیم، در حالی که نمایشگاه حاضر، دیدگاهی فراتر از روند عکاسی خبری حال حاضر در ایران را دنبال می کند، و می شود عکسهای مجموعه حاضر را در چند منظر مورد بررسی قرار داد: اول آن که، هیچ دلیل مشخص و منطقی برای پرداختن دوباره به این مجموعه عکس در قالب نمایشگاه وجود ندارد، چرا که به هر حال ظرفیت این عکسها به دلیل پرداختن به یک سوژه فرهنگی و بارز جامعه که مخاطب به نوعی با





کرده و همین امر موجب می شود در برخورد اول مخاطب این روزها که در بسیاری هجوم این حجه های فرهنگی مذهبی گنج شده است. تعبیر دیگری در فحش به وجود آید. و همین امر باعث لطمه خوردن به این مجموعه می شود.

و در این میان عکسهایی هستند که به محرم اشاره دارند و پیش از این در مجموعه ارائه نشده و متأسفانه کارکرد مثبتی در میان دیگر عکسها ندارند.

این عکسها با عبور از فضاهای معنایی کلیت نمایشگاه و همچنین تفاوتی آشکار تکنیکی به لحاظ فرمی و عناصر گرافیکی با دیگر عکسهایی این مجموعه، باعث وقفای ناهنگام در روند برقراری ارتباط مخاطب است و معلوم نیست که اساس چه نظریه ای باید این وقفه نامورون در این نمایشگاه وجود داشته باشد.

علاوه بر این چند عکس متعلق به محرم، چند عکس دیگری نیز هست که به نماز جماعت اشاره دارد. این عکسها نیز با روند کلی ساختار مجموعه در منافات است.

در کلیت عکسها، ما با سوژه های انسانی در حال عبادت روبه رو هستیم

رفته که سوژه ها در آن به خوبی جلوه دارند و عناصر دیگر بصری، مزاحم آنها در تصویر نیست و همچنین بکارگیری صحیح از عناصری چون بافت و رنگ که بیشتر جلوه ای گرافیکی برای آثار به وجود آوردند نیز از دیگر هوشمندی هایی است که عکاس در ثبت این تصاویر از خود نشان داده است.

اما نکته مهم تر این میان، در حوزه ساختار معنایی این نمایشگاه اتفاق افتاده است.

آثار موجود دارای یک روند همگونی هستند که متأسفانه به دلیل حضور چند عکس نامربوط و نامفهوم در میان آنها، روند برقراری ارتباط مخاطب با اثر را دچار نقصان می کند.

این مجموعه آن گونه که صاحب اثر ادعا کرده به هیچ وجه شبیه به گذران یک صبح ناشب فرضی از عبادت در حرم شاه عبدالعظیم نیست، اما یک ساختار روانی منسجم را دنبال می کند که خوشبختانه مخاطب را دچار تشویش ذهنی نمی کند.

سر برخورد انسانها در هر مقام و جایگاه در قالب تصاویر با پدیده عبادت، روند جالب توجهی است که با بررسی از یک منظر شاعرانه روایت

که فضایی مترج از محیط اطراف خود دارند. اما این آثار، عبادت را در شکل جمعی به تصویر کشیده‌اند و همین امر برخلاف و جریان اصل عکسها هستند.

و شاید در نهایت نکته‌ای که درباره این نمایشگاه از جلوه‌ی بیشتری برخوردار است، همان اشاره‌ی مذهبی

است که این مجموعه آن را پیگیری کرده است. اما باید توجه داشت که به هر حال و با همه شرایط موجود در دنیای امروز، عبادت دیگر چیزی از فرهنگ و آداب و رسوم مردم جهان به حساب می‌آید.

هم‌اکنون مراسم عزاداری محرم دارای دو بخش است: بخش اول اعتقاد به یک سری مناسک مذهبی و علاقه به امامان شیعیان مسلمان است و در وجهی دیگر، یک جلوه‌ی فرهنگی از حضور و زندگی مردم طی اعصار و فزون مختلف است و نمونه بارز آن، تفاوت شیوه‌های عزاداری در امروز نیست به دو دهه پیش است. بنابراین برخورد این چنینی یک عکاس مستندنگار با عبادت در شاه‌عبدالعظیم هم، تنها تبث یک فرهنگ قومی است که چه بخواهیم و نخواهیم متعلق به ملت ما است. و نمی‌توان آن را متفک از کلیت فرهنگی جامعه مورد بررسی قرار داد.

جمعیتهای ایرانی درباره‌ی علت انتخاب این سوژه و عکاسی از آن معتقد است: «بعد از یک مدت طولانی زندگی در فرانسه هنگام بازگشت به ایران، حسن جدیدی از بازگشت به ایران در خود یافتیم، از آن‌گهی همه چیز لذت می‌برد. از سوی دیگر، آن زمان در اروپا و آمریکا، وقوع پیشامد ۱۱ سپتامبر، مسلمانان و بخصوص ایران را زیر شوال برده بودند، بنابراین تصمیم گرفتیم در جهت دفاع و حمایت از هویت ملی خود، مجموعه عکسی را ارائه کنیم.»

بایرانی کلیت این مجموعه را، همان گونه که اشاره شد، تبث تصویری از یک روز فرضی می‌داند و می‌گوید: «روایت من از یک آذان صبح شروع و با آذان مغرب تمام می‌شود. البته عکاسی از این روز، تقریباً یک سال به طول انجامید. من هفته‌ای دو یا سه بار در ساعت‌های مختلف به آن جامی رفتم.



تأفقه‌ها را پیدا کنیم. و این امر بیشتر به دلیل تفاوت ظاهری تبث زائرین بوده. وی درباره تکنیک عکسهای گرفته‌شده می‌گوید: «این عکسها به دلیل پرداخت فضاهای نوری مختلف که معتقد بودم باید محیط را به شکلی کاملاً طبیعی ترسیم کند، بدون نور فلاش عکاسی شده‌است. و همچنین

سعی کردم تا حد امکان از عناصر گرافیکی بنویسی استفاده کنم و شاید هم به همین خاطر است که آثار کمی گرافیکی به نظر می‌آید. سبک آثار بعضی هاسورنال، رئال گرافیکی یا سینماترایی به نظر می‌آید، اما من در این جا، فرم و محتوا را باهم ترکیب کردم.

این عکاس از جبهه معنایی نیز معتقد است: «در زمان کودکی همراه مادرم به حرم شاه‌عبدالعظیم، می‌رفتم. در حالی که هیچ شناختی از پدیده عبادت نداشتیم و تنها این امر، حالت تفریح برایم داشت و اگر هم احترام می‌گذاشتیم، این یک تقلید از رفتار بزرگترها بود، اما اکنون به عنوان یک شاهد بیطرف دوربین خود را به آن جا برده بودم و قصد افراط و تفریط هم نداشتیم. بعضی‌ها به من خرده می‌گیرند که چرا سوژه مذهبی کار کردم که شاید اکنون مناسب جامعه نباشد، اما این روند تنها تبث فرهنگ عبادت از دیدگاه یک فتوونویس است.»

وی در همین ارتباط می‌گوید: «در طول زندگی عکاسی‌ام سوژه‌های مختلفی را عکاسی کرده‌ام از قبیل سینما، جنگ، فوتبال، زندگی افغانها و بسیاری سوژه‌های دیگر، اما نکته مهم در عکاسی مستند اجتماعی برای من، تصویر کردن فرهنگ و تاریخ کشورم است. من قصد دارم ایران را با همه خوبیها و بدیهایش به تصویر بکنم و نمایشگاه حاضر نیز، بخشی از این تجربه است.»

این عکاس در نهایت روند عکاسی خود را چنین توصیف می‌کند: «پیش از هر چیزی به عکاسی مستند اجتماعی گرایش دارم، سوژه‌ای که داستان داشته باشد و به انواع دیگر عکاسی علاقه‌ای ندارم. آثار این نمایشگاه را نیز قصد دارم به شکل یک کتاب منتشر کنم.»

